

## تعلیم و تربیت نزد ارمنیان ایران

ماریا آیوازیان

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### مقدمه

ارمنیان مهاجر پس از استقرار و سکونت در ایران، اجتماعات گوناگونی در شهرهای مختلف ایران تشکیل دادند. مهم‌ترین مراکزی که به علت دارا بودن نفرات بیشتر دارای مراکز تحصیلی بیشتری بود به ترتیب در این مقاله آمده است. اجتماعات ارمنی ایران در جلفای نو و اصفهان، تبریز و حومه، تهران و حومه، همدان، شیراز، جنوب ایران (آبادان، مسجد سلیمان، اهواز، آقاجاری)، رشت، انزلی، قزوین و مشهد تشکیل یافته است. توضیح اینکه ارائه کامل این پژوهش به علت کمبود منابع و مآخذ مقدور نبوده و تا حد امکان حتی در یک سطر مراکز تعلیم و تربیت ارمنیان ایران ذکر شده است. تاریخ افتتاح مراکز، به تاریخ مسیحی آمده زیرا منابع این تاریخ را آورده‌اند و تبدیل آنها به تاریخ هجری شمسی به عللی مقدور نبوده است. در جاهایی که منابع، تاریخ هجری شمسی را داده‌اند به همان صورت قید شده است.



### مختصری از گذشته تاریخی

روابط میان ارمنستان و ایران از دیرباز همواره وجود داشته و شاید تعدادی ارمنی نیز از همان زمان‌های دور در ایران سکونت داشته‌اند. اما آنچه بسیار بر آن تأکید شده به‌عنوان مبدأ تاریخی به حساب می‌آید، مهاجرت و سکونت ارمنیان در ایران، در دوران حکومت شاه عباس اول است. البته گفتنی است که این مهاجرت‌ها بعد از شاه عباس نیز چندین بار تکرار شده است.

در اواخر سده شانزدهم، زمانی که جلالی‌ها در مقابل حکومت عثمانی قیام کردند و حکومتی نابسامان و پرهرج و مرجی تشکیل دادند و شروع به تجاوز و غارت بخش آسیایی ترکیه و ارمنستان کردند، مهاجرت ساکنان آن نواحی به دیگر کشورها که امنیت در آنجا حاکم بود، آغاز شد.

مهاجران ارمنی از قراباغ، گنجه و شاماخ به سرکردگی ساروخان بیک، نازار (نظر) بیک، جلال بیک، ملیک سوجوم، ملیک هایکاز و دیگران به ایران آمدند. همچنین تمام ساکنان چهار روستای دو ولایت دشت و دیزاک به آنان پیوستند. شاه عباس آنان را پذیرفت و در اصفهان و اطراف آن سکونت داد. در آن زمان ارمنیان دیگری نیز از این گروه‌ها پیروی کردند. با دیدن این وضعیت دو جاثلیق ارمنی یعنی داوید و ملیک‌ست پس از مشورت تصمیم گرفتند برای نجات ارمنیان با شاه عباس وارد گفتگو شوند و از وی کمک بطلبند.

برای عملی ساختن این منظور، جاثلیق ملیک‌ست همراه دو اسقف به نام‌های مانویل و آستواتسادور به اصفهان رفتند که از طرف ارمنیان اصفهان مورد استقبال شایان قرار گرفتند. چند روز بعد، جاثلیق پیشنهاد خود را با شاه عباس در میان گذاشت و با موافقت شاه روبه‌رو شد. شاه وعده‌های زیادی در این زمینه به آنان داد. تقاضای کمک و مساعدت ارمنیان از شاه برای نجات از ظلم جلالیان، وی را به فکر انداخت که موضوع کوچاندن ارمنیان را به ایران در سر پیوراند و فواید حاصل از آن را سبک و سنگین کند و آن را به نفع ایران ارزیابی کند. نتیجه عملی شدن این فکر، می‌توانست دو چیز را در پی داشته باشد:

اول اینکه ارمنستان پس از مهاجرت ارمنیان به ایران به سرزمینی بایر و ویرانه تبدیل می‌شد، در نتیجه نگهداری سپاه و ارتش در آنجا و حمله‌های سالانه به ایران غیرممکن می‌نمود و ایران از دست اشراک ترک در امان می‌ماند.

دوم اینکه ارمنیان، بازرگانان موفق، هنرمندان و صنعتگران ماهری بودند و قادر به رونق بخشیدن به تجارت و هنر ایران بودند. در اینجا گفتنی است که هر دو نظر شاه عباس با کوچاندن ارمنیان به ایران تا حد زیادی به حقیقت پیوست.

پس از انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت، شاه عباس وضع نابسامان کشور را بهبود بخشید. سپس با سپاهی از طریق آذربایجان به عثمانیان حمله برد و بر علی پاشا پیروز شد. وی در سال ۱۶۰۳ تبریز را اشغال کرد و در وهله اول دستور داد تا مهاجران آن نواحی از جمله ارمنیان را به اصفهان کوچ دهند. پیرو آن بخشی از ارمنیان را به اصفهان و بخشی را به فرح‌آباد کوچ دادند.

این اولین کوچ ارمنیان به ایران بود. دومین کوچ، زمانی اتفاق افتاد که شاه از جلفا راهی نخجوان شد و آنجا را تصرف کرد، سپس ایروان را محاصره کرد و چند سردار به اطراف فرستاد تا آن نواحی را نیز تصرف کنند. یکی از آن سرداران الله‌وردی خان بود که ولایت چند منطقه را به دست آورد و تنها ارمنیان آن نواحی که تعدادشان بالغ بر بیست و سه هزار نفر بود را به همراه اسباب، دارایی و گله‌هایشان به شاهین کوچ داد. شاه عباس دستور داد که تعدادی از آنان را در همان‌جا سکونت دهند و بقیه را در کاشان و اصفهان سکنا دهند. قصد وی این بود که شهرها و روستاهای آن نواحی را غیر مسکونی سازد تا عثمانی‌ها قادر به نگهداری و استقرار ارتش خود در آنجا نباشند.

زمانی که شاه عباس متوجه شد که اشغال ایروان به طول خواهد انجامید، به قارص رفت و ولایاتی از ارمنستان را که تحت سلطه عثمانی‌ها بود، اشغال کرد و ساکنان آنجا را جابه‌جا کرد. ناگهان خبر رسید که سینان پاشا با سپاه عثمانی برای مقابله با وی می‌آیند (۱۶۰۴م). شاه به یروانداگرد (آقجاقلای) بازگشت و نقشه‌ای را که مدت‌ها در فکر خود پرورانده بود، به اجرا گذاشت و آن کوچاندن ارمنیان به ایران بود.

به این منظور ابتدا بزرگان ارمنی را نزد خود خواند و گفت که سپاه عثمانی در حال حرکت به سوی سرزمین شما است و شما می‌دانید که جنگ درخواهد گرفت و این به ضرر شما تمام خواهد شد، لذا به نظر من صحیح‌تر آن است که شماها زحمت چند روز راه پیمودن را به خود بدهید و به ایران بروید و پس از جنگ، دوباره به سرزمین خود برخواهید گشت.

وی چون متوجه شد که این پیشنهاد، بزرگان را خوش نیامد، دستور داد تا تمامی ساکنان را از مکان‌های خود حرکت داده و به سرعت هرچه تمام‌تر به ایران ببرند. اما وسایل موجود برای انتقال آن همه نفر در عرض سه یا چهار روز کافی نبود و این امر غیر ممکن می‌نمود.

گذشتن از رود عظیم ارس، کاری بس دشوار بود. ولی مأموران بدون در نظر گرفتن دشواری‌ها و وحشت مردم، آنان را از ارس به طرف ایران حرکت دادند. بدین ترتیب صدها هزار نفر از رود ارس به طرف ایران کوچ داده شدند و در این راه تعداد زیادی نیز به هلاکت رسیدند که این تعداد افزون بر صدها هزار نفر بود.

افرادی که از ارس گذشتند، به سه بخش تقسیم شدند. بخش اول از کناره رودخانه و سپس از راه‌های صعب‌العبور کوهستان گذشتند و به اهر، مشکین، خلخال و طارم آورده شدند که چهار ماه زمستان را در آنجا گذراندند. بخش دوم که ساکنان جلفای قدیم (ارمنستان) و شهرنشینان بودند، به تبریز منتقل شدند و زمستان را در آنجا سپری کردند و بهار که فرا رسید همه را به اصفهان و همدان کوچ دادند (۱۶۰۵م).

مورخان اطلاعات جامعی در این باره به ما نداده‌اند ولی از ظواهر امر چنین برمی‌آید که کسانی را که در تبریز سکونت داده بودند، از راه زنجان و قزوین به اصفهان و اطراف آنجا بردند و آنانی که در اهر، مشکین، خلخال و طارم ساکن بودند از راه زنجان به همدان و اطراف آنجا کوچانده شدند.

به درخواست الله‌وردی‌خان، تعداد پانصد خانوار از آنان را به شیراز بردند. پس از این جابه‌جایی‌ها، تعدادی از مهاجران پا به فرار گذاشتند تا به کشور خود، ارمنستان بازگردند که تهماسب قلی‌بیک از این حرکت اطلاع یافت و برای دستگیری و جمع‌آوری فراریان سپاه فرستاد و آنان را همراه تعدادی از ساکنان آن حوالی جمع‌آوری کردند که جاثلیق داوید هم جزو آنان بود.

سپس آنان را به قزوین انتقال دادند و تعداد بسیاری از ارمنیان ساکن آنجا را نیز به آنها ملحق کردند.

پس از سه سال یعنی در سال ۱۶۰۸، باز هم سپاهی به ارمنستان گسیل کردند و حدود هزار خانوار جمع‌آوری و به اصفهان آوردند.

پس از حمله خلیل پاشا به ایران و اشغال تبریز که به فرمان سلطان احمد انجام گرفته بود، تعداد بسیاری از ارمنیان به اسارت درآمدند. پیرو این اتفاقات در سال ۱۶۱۷ شاه عباس باز هم به ارمنستان لشکر کشید و فراریانی را که از اصفهان گریخته بودند جمع کرد و دستور داد تا تمامی آنان را به اصفهان بازگردانند. وی تنها به این کار قانع نشد و دیگر ارمنیان را از اطراف و اکناف کشور جمع کرد و به ایران کوچ داد و تعدادی را در گورآباد یا گبرآباد در کناره زاینده‌رود اسکان داد و بقیه را به مازندران و فرح‌آباد و اطراف آن فرستاد.

آراکل داوریژتسی (تبریزی) (Arakel Davriznetsi) مورخ ارمنی سده هفدهم، تعداد این گروه را ده هزار خانوار ذکر کرده است و به قول وی سه یا چهار بار دیگر نیز ارمنیان به اصفهان و اطراف آن کوچ داده شدند.

پس از اینکه شاه عباس به منظور خود رسید شروع به ابراز محبت و لطف نسبت به مهاجران کرد و به‌خصوص اصفهانیان را بیش از حد مورد توجه قرار داد و حتی با بزرگان ارمنیان به نشست و برخاست پرداخت و در سفرهایش آنان را همراه می‌برد و برای مشاوره با آنان هم صحبت می‌شد. ارمنیان در اثر این توجهات، منتهای سعی خود را بر آن داشتند که به تجارت رونق بخشند. پیرو آن، همه ثروتمند شدند و اصفهان و دشت‌های اطراف را آباد کرده، ساختمان‌های باشکوه ساختند و در آن شهر و اطراف آن چشم‌انداز زیبایی ایجاد کردند. در اثر این رونق اصفهان یکی از مراکز مهم تجاری مابین هند، ترکیه، روسیه و اروپا شد.

در این راستا روایتی است که بازگو کردن آن خالی از لطف نیست. گفته می‌شود وقتی شاه عباس متوجه شد که ارمنیان جلفا دل به محل سکونت جدید خود نمی‌بندند، دستور داد تا کلیسای اجمیاتسین که اولین و مهم‌ترین کلیسای ارمنستان و جایگاه جاثلیق بود را تخریب کرده، سنگ‌های ساختمان آن را به ایران بیاورند و با آن سنگ‌ها کلیسای جدیدی برای ارمنیان بسازند تا



آنان وابستگی‌های گذشته را فراموش کرده، به جلفا و کلیسای جدید وابسته شوند. زمانی که این خبر به ارمنستان رسید، شبانه عده‌ای از حکاکان عکس شاه عباس را روی یکی از سنگ‌های کلیسای اجمیاتسین در طرف چپ ورودی کلیسا، حکاکی کردند و زمانی که مأموران برای بردن سنگ‌ها به آن مکان رسیدند به آنان گفته شد که «ما اجازه نمی‌دهیم که نسبت به شاه بی‌احترامی شود و کلیسایی که عکس شاه بر آن حک شده تخریب گردد». در نتیجه تعدادی سنگ از حیاط کلیسا به ایران آورده شد تا با آن کلیسایی جدید در جلفا ساخته شود. اکنون این سنگ‌ها در حیاط کلیسای «سورب گورگ» (گورگ مقدس) قرار دارد.

چنان‌که گذشت پس از استقرار ارمنیان در شهرهای گوناگون ایران، جوامع ارمنی در آن شهرها به‌وجود آمد که هر کدام کلیسا یا کلیساها و آموزشگاه‌های کلیسایی، کودکستان، دبستان و دبیرستان دایر کردند.

در این مقاله تعلیم و تربیت نزد ارمنیان ایران مورد نظر است که به آن خواهیم پرداخت. بزرگ‌ترین اجتماعات ارمنیان ایران در جلفای نو، تبریز و تهران تشکیل شده بود و تعلیم و تربیت و مراکز آموزشی این مناطق از اهمیت شایانی برخوردار بوده است. در اینجا به شرح هر کدام از این اجتماعات می‌پردازیم.

### جلفای نو

اولین مدارس جلفای نو در کلیسای وانک و دیگر کلیساها دایر شد که به مدارس کلیسایی معروف بود. از مراکز آموزشی معروف سده هفدهم می‌توان از «سورب آمنا پرکیچ» (آمنا پرکیچ مقدس) نام برد که در سال ۱۶۲۰ توسط خاچادورکساراتسی جاتلیق آن زمان، به اعتبار فراوانی دست یافت که حتی «دانشگاه» نامیده می‌شد. این مرکز کار خود را تا پایان سده هفدهم ادامه داد. - مدرسه «گورگ کانانیان» در سال ۱۹۰۳ توسط خانم وارواره کانانیان به یاد همسرش گورگ کانانیان، تأسیس شد. افتتاح رسمی مدرسه در سال ۱۹۰۵ بوده است.

در اینجا گفتنی است که تا نیمهٔ دوم سدهٔ نوزدهم، تحصیلات تنها برای پسران میسر بود و دختران در صورت تمایل در منزل توسط معلمان خصوصی و یا در دیرها توسط راهبه‌ها تعلیم می‌دیدند.

- برای اولین بار در تاریخ اول اوت ۱۸۵۸ در محوطهٔ دیر کلیسای سورب کاتارینه (کاترین مقدس) مدرسهٔ دخترانه افتتاح و با استقبال فراوان روبه‌رو شد. در سال بعد، چندین کلاس به آن افزودند. دبستان و دبیرستان این کلیسا در سال ۱۹۴۰-۱۹۴۱ به نام‌های «روشنک» و «شهربانو» نامیده شد.

پس از سال ۱۹۴۰ در این مراکز و مدارس پسرانه، شاگردان فارسی‌زبان نیز پذیرفته شدند. دیگر مدارس سدهٔ نوزدهم عبارتند از:

- مدرسه‌ای در محوطهٔ کلیسای «سورب آستواتسائین» (مریم مقدس) در سال ۱۸۴۰ توسط هاروتیون آبکاریان ساخته شد که تا سال ۱۸۸۰ به کار خود ادامه می‌داد.

- مدرسهٔ کلیسائی «سورب استپانوس» (استپانوس مقدس) که در سال ۱۸۳۱ تأسیس شد و تا ۱۸۵۳ به کار خود ادامه داد.

- مدرسهٔ کلیسائی «سورب میناس» (میناس مقدس) که از سال ۱۸۵۳ تا ۱۸۸۰ دایر بوده است. در اینجا لازم به ذکر است که از سال ۱۹۳۵ برنامهٔ دولتی وزارت فرهنگ آن زمان، در مدارس ارمنی نیز به اجرا گذاشته شد و در سال ۱۹۷۹ به علت تغییرات در روال حکومتی، درس دینی در این مدارس به زبان فارسی تدریس می‌شد که پس از چندین سال تغییر کرد و باز هم به زبان ارمنی برگردانده شد.

- در سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۲۰، مدارس شبانه‌روزی که مربوط به کلیساها بود، دایر شد.

مدارس ارمنیان تا سال ۱۹۵۵، به شکل مدارس دولتی باقی ماند و در آن تاریخ به‌عنوان مدارس ملی به ارمنیان برگردانده شد. در سال ۱۹۷۹ باز هم مدارس ارمنیان تبدیل به مدارس دولتی شد و آنان از تمام حقوق خود نسبت به این مدارس محروم شدند.

- از سال تحصیلی ۱۹۸۰-۱۹۸۱ مدارس جلفای نو به دخترانه و پسرانه تقسیم شد و به ترتیب آمادگی و کودکانستان ارامنه به نام «گریگور کانانیان»، ابتدایی دختران و پسران به نام «آرمن»، راهنمایی و متوسطه پسران به نام «کاراپتیان» و راهنمایی و متوسطه دختران «کانانیان» نامیده شدند.
- در سال ۱۸۹۹-۱۹۰۰ در مدارس جلفای نو چهارصد و دو نفر محصل تحت آموزش بوده‌اند. سپس در اثر ازدیاد ساکنان، این تعداد به ۱۵۰۰ نفر رسید.
- در سال ۱۸۹۳ سه مدرسه کلیسایی را در جلفا یکی کردند و به نام «آموزشگاه مرکزی ملی» نامیدند و به ساختمان جدیدی منتقل کردند.
- نخستین کودکانستان ایران در جلفای نو به وسیله خانم وارواره کانانیان تأسیس شد و از سال ۱۹۷۱ تا چندین سال به نام «کوروش کبیر» نامیده شد. پس از چندی، چنانچه گذشت در ۱۹۸۰-۱۹۸۱ بازم به نام اول خود بازگشت.
- «مدرسه آرامیان» یعنی «هایکازیان» سابق در سال ۱۸۷۵ شروع به کار کرد و تعداد دانش‌آموزان آن هشتاد نفر بودند.

#### تبریز و حومه

- مدرسه «آرامیان» در تبریز طی یکصد سال موجودیت خود یعنی ۱۸۳۵-۱۹۳۵، هزار نفر فارغ‌التحصیل و چهار هزار دانش‌آموز در مراحل ابتدایی، تحویل جامعه داده است.
- مدرسه دخترانه «آنایان» در سال ۱۸۸۷ را خیری به نام تومانیان به یاد مادرش تأسیس کرد. تعداد شاگردان آن بین دویست و پنجاه تا سیصد نفر بوده است.
- این مدرسه با کمک مالی ارمنیان جاهای مختلف اداره می‌شده است.
- مدرسه «هایکازیان-تاماریان» که برادران تومانیان در سال ۱۸۹۵ در محله لیلای تبریز در حیاط کلیسای سورب سارکیس (سرکیس مقدس) آن را تأسیس کردند.
- تاریخچه آن از این قرار است که در سال ۱۸۷۰ مدرسه «هایکازیان» تأسیس شد که به طور خصوصی اداره می‌شد، سپس در سال ۱۸۷۴-۱۸۷۵ به طور رسمی شروع به کار کرد. چهار سال بعد از آن در سال ۷۹-۸۰ جنب ساختمان آن، مدرسه دخترانه «تاماریان» تأسیس شد، سپس در



سال ۱۸۹۵ به ساختمان جدید نقل مکان کردند. این مدارس نزد آموزش و پرورش زمان، به نام «اسدی» معروف بوده است.

- تا اواخر سده نوزدهم، مدارس تبریز و سلماس چهار کلاس و شش کلاس و نهایتاً هفت کلاس داشتند که در آن زمان برای دانش‌آموزان کافی نبود، لذا روشنفکران و رهبران این نواحی، به فکر تأسیس دبیرستان افتادند که نه تنها برای دانش‌آموزان تبریز بلکه متعلق به دانش‌آموزان کل آذربایجان باشد و از دیگر نقاط شاگرد بپذیرد. اکنون ساختمان آن یکی از بناهایی است که ارزش تاریخی دارد.

برای تأسیس چنین مرکزی جلسات مشورتی فراوانی تشکیل شد و این امر چندین سال به طول انجامید تا بالأخره در سال ۱۹۰۹ مرکزی به نام «مدرسه مرکزی اجتماع ارمنیان آذربایجان» افتتاح شد که از شهرهای گوناگون ایران و حتی از قفقاز شاگردانی برای آموزش به این مرکز مراجعه کردند و به تحصیل پرداختند.

در آینده این مرکز یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مراکز تحصیلی ارمنیان شد و چهره‌های نامی ارمنی از آنجا فارغ‌التحصیل شدند.

این مرکز پس از مدتی به علت مهاجرت ارمنیان از تبریز، تعطیل شد و مجدداً در سال ۱۹۱۶-۱۹۱۷ به علت بازگشت مهاجران بازگشایی شد.

در سال ۱۹۳۶-۱۹۳۷ به دستور رضاشاه، این مرکز تعطیل شد و متأسفانه مرکزی چنین مهم به کار خود پایان داد. پس از بازگشایی که پیرو تبعید رضا شاه اتفاق افتاد، نام آن به «سروش» تغییر پیدا کرد. در اینجا گفتنی است که تمام آموزشگاه‌ها و مدارس ارمنیان سراسر ایران به همین سرنوشت دچار و سپس بازگشایی شدند.

در تبریز مدارس گوناگون آمریکایی وجود داشته است که بسیاری از دانش‌آموزان ارمنی در آنجا تحصیل کرده و فارغ‌التحصیل شده‌اند که در اینجا به آنها اشاره می‌شود.

- دبیرستان «موریال»

- مدرسه دخترانه آمریکایی

- مدرسه کاتولیک‌ها

از دیگر مدارس غیر ارمنی که دانش‌آموزان ارمنی نیز در آنجا مشغول تحصیل بودند:

- دبستان پسرانه «انوشیروان» که به کاتولیک‌ها تعلق داشت و دارای ششصد دانش‌آموز بود که تعداد بیست نفر از آنان ارمنی بودند؛
- دبستان دخترانه «ابن سینا» که متعلق به کاتولیک‌ها بود و تعداد ششصد و پنجاه دانش‌آموز داشت که سی نفر از آنان ارمنی بودند؛
- دبستان «نور» که متعلق به انجیلی‌ها بود و تعداد کمی از دانش‌آموزان ارمنی بودند.

در اینجا باید اضافه کرد که در تبریز تعدادی دانش‌آموز ارمنی در مدارس دولتی و یا خصوصی مشغول به تحصیل بوده‌اند.

### دیگر کودکان و مدارس تبریز

- کودکان، آمادگی و دبستان خانم شوشانیک خانازادی؛
- کودکان «گاسپار» که در سال ۱۷۱۷ توسط خانم آستیک هاکوپیان تأسیس شد و تا سال ۱۹۴۸ به کار خود ادامه داد؛
- کودکان محله «قالا» در تبریز که تا سال ۱۹۳۶ برقرار بود.

### تهران و حومه

در سال‌های ۱۸۵۰، تا تأسیس اولین مدرسه، ارمنیان تهران حدود ۱۰۰ خانواده بودند که کودکان خود را برای تحصیل به مدارس می‌فرستادند. در اتاق‌های راهبان کلیسا تشکیل می‌شد، می‌فرستادند. شاگردان، خواندن و نوشتن را از روی کتاب‌های مقدس می‌آموختند که توسط کمک کشیش‌هایی که در کلیسای وانک جلفای نو آموزش دیده بودند و یا توسط معلمان زن که می‌توان گفت سواد کافی نداشتند، تدریس می‌شد.

- اولین مدرسه‌ای که ارمنیان در سال ۱۸۷۰ در تهران دایر کردند، «هایکازیان» نام داشت و آن زمانی بود که هیچ اقلیتی در تهران مدرسه نداشت.

مدرسه اجتماع ارمنیان تهران توسط سه نفر اداره می‌شد به نام‌های میکائیل مارکاریان (تاجر) که از استانبول (قسطنطنیه) به تهران نقل مکان کرده بود، هوسپ گاسپاریان که در دمشق متولد شده و تحصیلات خود را در ترکیه سپس اتریش به پایان رسانده و از بغداد به تهران آمده بود و سومین نفر کاراپت (شارل) بازرگانیان بود که ریاست تلگرافخانه را به عهده داشت. این سه، مؤسسه‌ای به نام «مؤسسه سوادآموزی» تأسیس کردند که پیرو آن اولین مدرسه به نام «هایکازیان» در یکی از اتاق‌های کلیسای محله دروازه قزوین تهران، دایر شد. در آن زمان جامعه ارمنیان تهران اکثراً در نزدیکی محله یاد شده یعنی محله ارامنه در نزدیکی کلیسای سورب گورگ (گورگ مقدس) در جنوب شهر تهران می‌زیستند.

- در سال ۱۸۷۰ خانمی اهل قراباغ منزل مسکونی خود را برای تأسیس مدرسه، اهدا نمود که این کار ماجراهای بسیاری را پشت سر گذاشت تا پس از چهارده سال با فروش آن خانه، زمینی در دروازه قزوین به منظور ساختن مدرسه‌ای بر پایه اصول صحیح، خریداری شد.

- دبستان «هایکازیان» که ماجرای گشایش آن ذکر شد، در سال ۱۸۸۳ به مدرسه دخترانه و پسرانه تبدیل شد. در سال ۱۸۸۱ اولین دبستان دخترانه در تهران تأسیس شده بود که پس از ۲ سال به علت نداشتن معلم زن، تعطیل شد. در آن دوران مرد اجازه تدریس در مدرسه دخترانه را نداشت، به این دلیل وضعیت دبستان «هایکازیان» تغییر کرد و تبدیل به دبستان دخترانه و پسرانه شد.

دبستان «هایکازیان» در سال ۱۸۷۸ اولین دوره فارغ‌التحصیلان خود را ارائه داد و چون از نظر تحصیلی در سطح بالایی قرار داشت، چهره‌های مشهوری از این مدرسه فارغ‌التحصیل شدند که در بهبود زندگی اجتماعی و تحصیلی ارمنیان، تأثیرات فراوانی داشتند.

- پس از تغییر محل سکونت تعداد کثیری از ارمنیان تهران از محله دروازه قزوین به محله حسن آباد، وجود یک مدرسه لازم به نظر می‌رسید. در نتیجه در خیابان علاءالدوله، فردوسی فعلی، مدرسه‌ای متشکل از چند کلاس تأسیس شد.

- در سال ۱۸۸۰ در خیابان نادری، جمهوری اسلامی فعلی، زمینی به قصد ساختن کلیسا خریداری شده بود که در آن مکان مدرسه‌ای به نام «داویدیان» تأسیس شد. این مدرسه سه کلاس بود و بخشی از مدرسه «هایکازیان» محسوب می‌شد.



- دبستان ملی «داویدیان» که در زمان رضاشاه تعطیل شده بود، پس از تبعید وی در سال تحصیلی ۱۹۴۲-۱۹۴۳ بازگشایی شد. از جانب وزارت فرهنگ وقت خواسته شد تا نامی فارسی برای آن مدرسه انتخاب شود، در نتیجه نام دبستان به «کوشش - داویدیان» تغییر یافت.
- در سال ۱۹۵۱ دو دبیرستان دخترانه و پسرانه به آن افزوده شد. بدین ترتیب، اتاق‌های جنب کلیسای مریم مقدس در خیابان سی تیر (قوام‌السلطنه سابق) را به پسران و برای دختران چند کلاس از دبستان «سپهر» را که در همان خیابان پایین‌تر از خیابان جمهوری اسلامی (نادری سابق) بود، اختصاص دادند.
- دبیرستان ملی پسرانه «کوشش - داویدیان» در سال ۱۹۵۷-۱۹۵۸ در همان محل سابق در ساختمانی جدید شروع به کار کرد.
- دبستان ملی دخترانه و پسرانه «سپهر» که تا سال ۱۹۳۷-۱۹۴۳ دبستان فارسی‌زبانان بود، در سال ۱۹۴۳ در دبستان «کوشش - داویدیان» ادغام و محل تشکیل کلاس‌های ابتدایی دختران شد.
- دبیرستان ملی دخترانه «مریم یان» که ساختمان آن در سال ۱۹۵۳ در خیابان جمهوری اسلامی (شاه سابق)، خیابان آقا شیخ هادی توسط آقای سرکیسیان که به یاد دخترش مریم آن را بنا کرده بود، شروع به کار کرد.
- دبستان ملی پسرانه «آرارات» در سال ۱۹۵۶-۱۹۵۷ در مجیدیه تأسیس شد. در سال ۲۰۰۲ دوره دبستان و راهنمایی دخترانه نیز به آن افزوده شد.
- دبستان ملی دخترانه و پسرانه «حق نظریان» در سال ۱۹۵۷-۱۹۵۸ در خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی (یوسف‌آباد بالا) تأسیس شد و تا سال ۱۹۷۴-۱۹۷۵ به کار خود ادامه داد.
- دبستان ملی دخترانه و پسرانه «دانایی» در سال ۱۹۴۲ تأسیس و تا سال ۱۹۶۸ به مدت ۲۶ سال دایر بود و در سال ۱۹۶۸ به دبستان «آراکس» ملحق شد.
- دبستان ملی «آراکس» در سال ۱۹۶۸-۱۹۶۹ در خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی (یوسف‌آباد بالا) در ساختمان جدیدی افتتاح شد. البته کار این دبستان از سال ۱۹۵۴ شروع شده بود و به ترتیب در خیابان آبان شمالی (سال‌های ۱۹۵۳-۱۹۵۷) سپس خیابان میرزای شیرازی (سال‌های ۱۹۵۷-۱۹۶۸) مستقر بوده است.

- دبستان ملی دخترانه و پسرانه «شاه عزیز» در سال ۱۹۴۸ در منطقه حشمتیه افتتاح شد و تا ده سال به کار خود ادامه داد. در سال ۱۹۵۸ شاگردان و معلمان به ساختمان جدیدی به نام «اسرائیل ساهاکیان» منتقل شدند. در سال ۱۹۵۸ دبیرستان دخترانه نیز به آن افزوده شد.
- دبستان ملی دخترانه و پسرانه «آرام آویان» در انتهای خیابان دکتر نجات‌اللهی (ویلاي سابق) در سال ۱۹۵۰ تأسیس شد و نه سال به کار خود ادامه داد و در سال ۱۹۵۵ در ساختمان مجزایی کودکان و آمادگی نیز دایر شد. در سال ۱۹۵۹-۱۹۶۰ به فعالیت خود پایان داد.
- دبستان ملی دخترانه و پسرانه «شاه عباس کبیر» یا «آرام مانوکیان» در سال ۱۹۵۳-۱۹۵۴ در سیدخندان تأسیس شد که دارای کودکان و آمادگی نیز بود.
- دبستان ملی دخترانه و پسرانه «رستم» در سال ۱۹۵۳-۱۹۵۴ در خیابان بهار تأسیس شد که دارای دوره آمادگی و سه کلاس بود که ساختمان جدید آن در سال ۱۹۵۵-۱۹۵۶ افتتاح شد و به دوره ابتدایی و راهنمایی دختران اختصاص داده شد و ساختمان قدیم برای دوره‌های ابتدایی و راهنمایی پسران اختصاص یافت.
- دبستان ملی دخترانه و پسرانه «هور» در سال ۱۹۵۵-۱۹۵۶ تأسیس شد. در سال ۱۹۶۰ کودکان و آمادگی نیز افتتاح شد. این دبستان کار خود را تا ده سال ادامه داد. سپس شاگردان این مدرسه به دبستان «واچه هوسپیان» در خیابان جمهوری اسلامی، کوچه مسعود منتقل شدند.
- دبستان ملی پسرانه «واچه هوسپیان» در سال ۱۹۷۳ در خیابان جمهوری اسلامی (نادری سابق)، کوچه مسعود افتتاح شد و تا دو سال قبل یعنی سال ۲۰۰۱ به کار خود ادامه داد.
- دبستان ملی دخترانه «نائیری» در سال ۱۹۵۵ تأسیس شد. در سال ۱۹۶۹ دوره راهنمایی و سال اول دبیرستان و سال ۲۰۰۲ آمادگی دختران نیز به آن افزوده شد و در سال ۱۹۹۶ به محله ساسون منتقل شد.
- دبیرستان دخترانه و پسرانه «هوهانس توماسیان» که سپس فقط دخترانه شد، در وحیدیه، محله زیتون در سال ۱۹۷۰ تأسیس شد و اکنون در محله زرکش خیابان شهید سموئل اینونا قرار دارد.
- دبیرستان ملی دخترانه «آبراهام سوقومونیان» در سال ۱۹۷۴-۱۹۷۵ تأسیس شد.
- دبستان غیر ملی دخترانه و پسرانه «مازیار» در سال ۱۹۶۴-۱۹۶۵ افتتاح شد.



- دبستان ملی پسرانه «شانت» در سال ۱۹۷۹-۱۹۸۰ افتتاح شد و سپس شاگردان آن به دبستان «نائیری» منتقل شدند.
- دبستان ملی دخترانه و پسرانه «آلیشان» در سال ۱۹۶۲ در خیابان حافظ، خیابان غزالی، جنب کلیسای کاتولیک‌های ارمنی تأسیس شد. از سال ۲۰۰۱ فقط دوره ابتدایی و راهنمایی پسرانه شد و در آن سال شاگردان دبستان «واچه هوسپیان» به آنجا منتقل شدند و بخش دخترانه به دبستان «آراکس» انتقال یافت.
- دبستان ملی دخترانه و پسرانه «تونیان» در سال ۱۹۵۶-۱۹۵۷ در محله نارمک تأسیس شد.
- دوره کامل کودکان، آمادگی، ابتدایی، راهنمایی و متوسطه «مریم» که تحت ریاست راهبه‌های کلیسای کاتولیک اداره می‌شود، در محله داوودیه قرار دارد و تاکنون نیز دایر است.
- دبستان غیر ملی پسرانه و دخترانه «آرامیان» در سال ۱۹۶۷-۱۹۶۸ شروع به کار کرد و این فعالیت تنها یک سال به طول انجامید.
- دبستان غیر ملی پسرانه و دخترانه «رافی» که دوره کودکان نیز داشت، در سال ۱۹۴۶-۱۹۴۷ تأسیس شد.
- دبستان غیر ملی پسرانه و دخترانه «ساندوخت» در سال ۱۹۴۶-۱۹۴۷ تأسیس و در پایان سال تحصیلی ۱۹۷۶-۱۹۷۷ تعطیل شد. این دبستان در چهارراه عزیزخان خیابان سوم اسفند سابق قرار داشت.
- دبستان ملی دخترانه و پسرانه «نوبار» که دوره کودکان را نیز دارا بود در سال ۱۹۵۱-۱۹۵۲ تأسیس شد. بخش دختران دیرتر شروع به کار کرد. این دبستان در خیابان حافظ چهارراه عزیزخان، خیابان استخر بنا شده بود.
- دبستان ملی «نورات گولبنگیان» در سال ۱۹۶۶-۱۹۶۷ تأسیس شد که در بدو افتتاح، دخترانه و پسرانه بوده است. سپس در سال ۱۹۸۰-۱۹۸۱ فقط پسرانه شد. این دبستان در خیابان استاد نجات‌اللهی شمالی دایر است.

- راهنمایی و دبیرستان دخترانه «ماری مانوکیان» در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد. از سال ۱۹۹۸ کلاس‌های پیش دانشگاهی نیز در آن دایر شد. این دبیرستان در خیابان استاد نجات‌اللهمی شمالی واقع است.
- دبستان دخترانه‌ای در سال ۱۸۷۱ در ده ونک، در شمال تهران توسط سازمان زنان ارمنی تأسیس شد که عمر آن فقط یک سال بود. سپس در سال ۱۹۱۶ بازگشایی شد و تا سال ۱۹۴۹ دارای ۴ کلاس و دو معلم بوده است.
- دبستان «گاسپاریان» در سال ۱۸۹۴-۱۸۹۵ در محله دولت، تأسیس شد.

#### مدارس خصوصی ارمنیان تهران

- دبستان دخترانه و پسرانه «تابان» در سال ۱۹۴۸-۱۹۴۹ تأسیس شد. ابتدا در بهجت‌آباد و سپس به حشمتیه منتقل شد. پایان کار این دبستان در سال ۱۹۷۰ بوده است.
- دبستان دخترانه و پسرانه «نورانی» (آنی جدید) در سال ۱۹۶۳-۱۹۶۴ تأسیس شد. چند سال بعد دوره راهنمایی نیز به آن افزوده شد.
- دبستان دخترانه و پسرانه «ایران پیروز» در سال ۱۹۶۶ در منطقه نارمک تأسیس شد.
- دبستان دخترانه و پسرانه «آلیک» در سال ۱۹۶۶ تأسیس و در سال ۱۹۷۹-۱۹۸۰ به کار خود پایان داد. شاگردان آن به دبستان «رستم» منتقل شدند.
- در روستای منصورآباد در شش کیلومتری تهران، مدرسه ابتدایی وجود داشته است.

#### مدارس در دیگر شهرها و روستاهای ایران

- در دو روستای ارمنی‌نشین قراداغ آذربایجان، مدرسه‌ای تأسیس شده بود و کودکستانی به نام «درزاکاریان» در آنجا وجود داشته است.
- در روستاهای گردآباد، نخجوان تپه، ایک آقاج، بدل بو و رهوا در رضائیه (ارومیه) مدارس ابتدایی تأسیس شد. در روستاهای بابارو و دیزه تپه در قصبه بارانداز رضائیه، مدرسه ابتدایی دایر شده بود.



- در روستاهای هفتوان و مهلم سلماس (شاهپور)، مدرسه ابتدایی وجود داشته است.
- سه مدرسه در فریدن (پریا) که دارای بیست روستای ارمنی‌نشین بود، دایر بوده است.
- در دهکده ماماکا، حاجی‌آباد و سیراک چارمحال در سال ۱۹۵۳-۱۹۵۴ سه مدرسه وجود داشته است.
- در اراک (سلطان‌آباد) کودکانی دارای ۳۶ شاگرد و مدرسه ابتدایی متشکل از شش کلاس و دارای دویست شاگرد وجود داشته است.
- در قرابلوغ در نزدیکی کرج یک مدرسه سه کلاسه با ۷۰ شاگرد وجود داشته است.
- در سال ۱۹۵۴ دبستان- دبیرستان (؟) همدان، پنجاهمین سالگرد تأسیس خود را جشن گرفت.
- در همدان کودکان و دبستان «نور» در سال ۱۹۵۳ دارای شش کلاس و ده معلم و ۱۲۵ شاگرد بوده است.
- کودکان و دبستان «رافی» در قزوین، حدود یکصد و هشت شاگرد و شش کلاس داشته است.
- دبستان «انوشیروان» در رشت که دارای شش کلاس بوده است.
- مسجد سلیمان در سال ۱۹۵۵-۱۹۵۶ دارای کودکان، آمادگی و ۴ کلاس بوده که دویست و هشتاد شاگرد دختر و پسر و یازده معلم داشته است.
- اهواز در سال تحصیلی ۱۹۵۵-۱۹۵۶ دارای دبستان چهار کلاسه، یکصد و سی شاگرد و هفت معلم بوده است.
- مشهد یک دبستان چهار کلاسه داشته است.
- انزلی یک دبستان دو کلاسه داشته است.
- آبادان در سال ۱۹۵۴-۱۹۵۵ دارای کودکان، آمادگی که دارای یکصد و نود شاگرد و چهار کلاس بود و دبستان که حدود ششصد شاگرد دختر و پسر داشت که در شانزده کلاس درس می‌خواندند. چهار کلاس هفتم تا دهم متوسطه دخترانه دارای هشتاد نفر شاگرد بود و سپس دوره متوسطه تا کلاس دوازده به آن اضافه شد.
- آقاجاری دارای یک دبستان و نود شاگرد و پنج معلم بود.



- متأسفانه اطلاعات در مورد شیراز ناچیز است.

#### دانشکده‌ها

- در سال ۱۹۶۰ به دستور محمدرضا پهلوی در دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، دوره کارشناسی رشته زبان و ادبیات ارمنی تأسیس شد. اولین دوره دارای چهارده دانشجو بوده است. این دانشکده تا کنون نیز به کار خود ادامه می‌دهد.

در سال ۱۹۷۰ بنای مجزا و جدیدی برای این منظور ساخته شد که در سال ۱۹۷۲ رسماً افتتاح شد.

- در سال تحصیلی ۱۳۴۸-۱۳۴۹ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات ارمنی در دانشکده زبان‌شناسی، گروه زبان‌های باستانی، افتتاح شد که تنها دو دوره دانشجو از آنجا فارغ‌التحصیل شده‌اند و در نتیجه تعداد کم دانشجو، این رشته تعطیل شد. بانی اولیه آن آقای دکتر حق نظریان بود. پس از وی آقای دکتر آراکلیان ریاست گروه را به عهده داشته‌اند.

- در سال ۱۳۷۴-۱۳۷۵ دوره کارشناسی زبان و ادبیات ارمنی در دانشکده زبان‌های خارجه دانشگاه آزاد اسلامی افتتاح شد و امید است که به زودی دوره کارشناسی ارشد نیز در این دانشکده دایر شود.

#### منابع

- آرشیو شخصی خانم اربغوسیان، (ارمنیان ایران به زبان ارمنی).

- ارمنیان ایران.

- جلفای نو در بیش از یک ربع قرن.

- Nor Jughan Aveli Kan Mek ev Karord Darum, L.G.Minasian, S. Ejmiatsin, 1999.

- Parskastani Hayer, N. H. Goroeants, Tehran, 1968.